

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

17 MAY 1950

1-185

۸۷/۱/۱۵ ۲۷/۱۳
۸۷/۱۱/۲۵

دانشگاه پیام نور

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده علوم انسانی

گروه علمی ادبیات فارسی

عنوان: تصحیح نسخه خطی جامع القصص اثر

ابن ابوالحسن واعظ

(از زندگی یوشع بن نون تا آغاز مولود حضرت رسول (ص))



استاد راهنما: دکتر علی محمد پشتدار

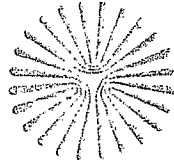
استاد مشاور: خانم دکتر فاطمه کوپا

۱۳۸۷ / ۱ / ۱۵

نگارش: زهرا منصوری

شهریور ۱۳۸۷

۱۰۰/۱۵۲



شماره
تاریخ
پوست

((تصویب نامه))

پایان نامه تحت عنوان : تصحیح و تحقیق نسخه خطی
جامع القصص

۱۴/۳۰-۱۵/۳۰

تاریخ دفاع ۰۸ / ۰۸ / ۸۷ ساعت :

نمره : ۱۹

درجه : عالی

اعضای هیات داوران :

نام و نام خانوادگی هیات داوران

مرتبه علمی امضاء

استاد راهنما و نماینده گروه
۱ استاد مشاور
استاد داور
۳
۵
۵

۱- جناب آقای دکتر پشت دار
۲- سرکار خانم دکتر کوپا
۳- جناب آقای دکتر مصطفی گرجی
۴- نماینده گروه خانم دکتر کوپا

۱۳۸۷ / ۸ / ۱۵

تقدیم :

عیب است و لیکن هنر است از موری

پای ملخی پیش سلیمان بردن

تقدیم به مشرق نبوت و ساحت مقدس رسالت و نجوم بروج هدایت و پیامبران از آدم(ع) تا خاتم(ص).



تقدیم به شرف امامت و ولایت ، به تنها ذخیره ی دودمان هدایت ، قائم آل محمد (ص) حجة بن الحسن العسگری (عج).



تقدیم به پدر و مادر عزیز و مهربانم که به تاسی از پیامبران هدایت و تربیت بار سنگین تربیت فرزندان را سالها بر دوش کشیدند .



تقدیم به همسر عزیزم که همواره مرا تشویق کرد .



و تقدیم به فرزندان عزیزم که در راستای انجام این کار کوچک کمیها و کاستیهای مرا تحمل کردند.

فهرست مطالب

فصل اول کلیات و مقدمات

- ا- اهداف و سؤالهای تحقیق..... ۱
- ب- منابع و مآخذ و روش تحقیق..... ۲
- ت- چکیده..... ۳
- ث- پیش گفتار..... ۴
- خ- مقدمه..... ۵
- ع- نقد و نظر و نتیجه..... ۶

فصل دوم متن نسخه خطی

- ۱- قصه پر فایده یوشع..... ۱
- ۳- عدالت یوشع بن نون..... ۳
- ۶- اظهار دعوت نمودن اشموئل پیغمبر (ع)..... ۶
- ۹- داخل شدن طالوت به خانه اشموئل و به پادشاهی رسیدن او..... ۹
- ۱۵- قصه جنگ طالوت با جالوت ملعون..... ۱۵
- ۱۸- جنگ کردن داود با جالوت و به جهنم رفتن جالوت..... ۱۸
- ۲۳- قصه عجیبه داود پیغمبر (ع)..... ۲۳
- ۲۴- التماس کسب نمودن داود پیغمبر (ع)..... ۲۴
- ۳۱- قصه عجیبه گاوی که عابدی در زمان داود پیغمبر (ع) ذبح نموده بود..... ۳۱
- ۳۹- قصه عجب سلیمان پیغمبر (ع)..... ۳۹
- حکایت مهمانی نمودن سلیمان .. ۴۴
- ۴۵- قصه پند دادن مورچه سلیمان را..... ۴۵

- ۵۱..... غایب شدن هدهد نزد سلیمان
- ۶۰..... خبر آوردن هدهد از برای سلیمان
- ۶۲..... زندگانی لقمان
- ۶۳..... حکایت مناسب حال
- ۶۴..... حکایت دیگر در شکر گزاری
- ۶۵..... حکایت دیگر از حضرت امیر المؤمنین
- ۶۶..... حکایت
- ۶۷..... حکایت دیگر در رضای مادر و پدر از جریح
- ۶۹..... در چاه انداختن لقمان حکیم
- ۷۳..... بیرون آوردن لقمان حکیم از چاه
- ۷۶..... داستان زکریا(ع)
- ۸۵..... قصه خوف و ترس و گریه کردن یحیای مظلوم
- ۸۹..... شمه ای در ذکر قتل یحیی و زکریا(ع)
- ۹۳..... حکایت مولود مریم بنت عمران
- ۹۶..... ابتدای قصه عیسی(ع)
- ۱۰۴..... رفتن عیسی با مادرش به شهر مصر
- ۱۰۶..... معلم فرستادن مریم، عیسی(ع) را
- ۱۰۷..... قصه دعوت کردن عیسی(ع)
- ۱۱۰..... قصه حواریان یا عیسی(ع)
- ۱۱۰..... معجزه دیگر از حضرت عیسی(ع)
- ۱۱۱..... قصه مائده خواستن
- ۱۱۳..... قصه دیگر فرستادن رسولان را عیسی(ع) به شهر انطاکیه
- ۱۲۳..... قصه عزیز پیغمبر
- ۱۲۴..... ابتدای مولود بخت النصر علیه اللعنه
- ۱۲۶..... قصه عزیز(ع) از بابل اراده مصر نمودن
- ۱۳۲..... حکایت پیامبران مرسل و غیر مرسل

۱۳۴ - قصه جرجیس (ع)

۱۳۷ - قصه اصحاب اخدود

۱۴۰ - قصه اصحاب كهف

ضمائم

۱۵۵ فهرست اعلام مذهبی و تاریخی

۱۷۰ واژه نامه

۱۷۵ فهرست آیات قرآن

۱۹۶ فهرست احادیث و عبارات عربی

۳۰۲ فهرست اشعار فارسی

۲۱۴ فهرست منابع و مأخذ

← کلیات

- هدفها:

احیاء و شناخت علمی و انتقادی یک نسخه خطی که قدمتی چهار صد ساله دارد

- چه کار بردهایی از انجام این تحقیق متصور است؟

پژوهشی ، برای نسخه شناسان و زبان پژوهان

آموزشی برای دانشجویان و علاقه مندان به تاریخ زبان فارسی

تربیتی و دینی ، شناخت اثری جدید از قصص قرآن برای علاقه مندان

- استفاده کنندگان از نتیجه پایان نامه (اعم از مؤسسات آموزشی ، پژوهشی، دستگاههای اجرایی و غیره)

آموزشی - پژوهشی

- جنبه جدید بودن و نو آوری طرح در چیست؟

این پژوهش صد در صد تازه و بکر است

روش انجام تحقیق:

تحلیل محتوا

روش و ابزار گرد آوری اطلاعات:

کتابخانه ای

عنوان پایان نامه:

- فارسی: تصحیح و تحقیق منحصر به فرد خطی « جامع القصص » ابن ابو الحسن واعظ

واژگان کلیدی:

- فارسی: نسخه خطی - جامع القصص (از داستان یوشع بن نون تا قصه مولود خاتم انبیا محمد (ص))

- لاتین: IBN Abolhasan vaez /Jameol qesas.

نوع تحقیق:

بنیادی

تعریف مسأله و بیان سؤالهای تحقیق:

تصحیح و تنقیح نسخه های خطی فارسی ، یعنی احیای مواریت زبان و ادب ایران، آشنایی با خط و نگارش زبان فارسی در ادوار گذشته و نشر آثار ادب فارسی با محتوای ادبی ؛ دینی و علمی با اهداف فوق به تصحیح نسخه ای منحصر به فرد شده است

۱- محتوای اثر چیست؟

۲- از نظر زبان فارسی (نگارش ، دستور، و...) این نسخه چگونه است ؟

۳- محتوای این اثر با آثار مشابه ، چه تشابهات و چه تمایزاتی دارد؟

۴- منابع و آثاری که مولف در اثر خود از آن بهره برده کدام است؟

۵- ارزش تاریخی اثر چگونه است؟

سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

احیای نسخ خطی زبان فارسی ، گامی مهم در مسیر شناخت تاریخ زبان فارسی و دیگر جنبه های آن است . تا کنون این اثر نا شناخته بوده و در کتب شرح احوال کاتبان وعالمان علوم قرآنی ، نامی از او و اثرش نیامده است

جامع آماری و تعداد نمونه (در صورت لزوم)

نسخه خطی جامع القصص

پیش گفتار

به نیت میمنت و خجستگی ، هم در ابتدای سخن ، نام نامی و مقدس ارباب و سلطان جهان آفرینش را بر زبان و قلم می آورم ، خداوند ازلی وابدی که آدم را آفرید و برای هدایتش و سعادتش ، پیامبرانی را با دیده عنایت تربیت کرد و سعه صدر داد و برای ارشاد او فرستاد و حمد و ستایش و ثنا مخصوص اوست .

ادبیات غنی و پر قدمت فارسی به مثابه دریایی عظیم است که امواج طوفانی و سهمناک ندارد . های وهوی بر خورد امواج آن به ساحل ، بیننده و خواننده را متوحش و هراسان نمی کند. چرا که سراسر لطافت است و تسکین و منطبق بر فطرت الهی آدمیان است. در دریای ادبیات فارسی وارد شدن ، همانا موافق جهت آب شنا کردن است نه خلاف جهت آن ؛ زیرا در این دریا ، انسانیت همیشه شاداب است و با طراوت و خبری از قیل و قال کاذب و پر طمطراق تکنولوژی آدمیت گریز و دین ستیز نیست.

یکی از گلهای خوش رایحه و چشم نواز این مرغزار پر طراوت ، تأثیری است که رنگ و انگ و بو و قداست و هدایت سر گذشت پیامبران الهی بر آن داشته است .

★ مختصری در معرفی کتاب « جامع القصص » نسخه ای منحصر به فرد در قصص انبیا از یوسف (ع) تا خاتم انبیا (ص).

□ نسخه ها:

ظاهراً از این اثر نسخه خطی دیگری در فهرس خزاین خطی نبوده و نیست . تلاش زیادی صورت گرفته اما تا کنون بی نتیجه مانده است.

□ مشخصات نسخه حاضر:

زبان : فارسی ، قطعه نسخه: وزیر بزرگ ، ۲۵۱ سطری ، خط نستعلیق ، سر فصلها و عناوین با مرکب قرمز ، تعداد اوراق ۲۹۸ ، حدود ۵۰ ورق از آغاز و حدود ۵۰ برگ از پایان افتاده . سال تحریر ۱۰۷۷ ه . ق .

□ مؤلف و کاتب نسخه:

در صفحه و برگ ۳۱ سطر آخر ، مؤلف در پایان قصه یوسف (ع) چنین آورده است « صد هزار رحمت خدای تعالی مر خواننده و نویسنده و شتونده این کتاب را باد و هرکه بخواند از جهت این گمنام فاتحه مضایقه نکند که من بسیار رنج

کشیدم تا این کتاب را جمع نموده ام در تاریخ سلخ شهر شوال المعظم قصه یوسف تمام شد سنه سبع و سبعین بعد الف (۱۰۷۷ ه. ق) هجریه النبویه کاتبه و جامع الکتاب العبد ابن ابو الحسن الواعظ نوری الوری الادیب».

□ نام مؤلف و عنوان کتاب:

مؤلف در صفحه ی آغاز قصه پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) خود را چنین معرفی کرده است « چون فقیر حقیر پر تقصیر ابن ابو الحسن الواعظ نوری الوری الادیب مدتی مدید به مطالعه مناقب و فضایل و معجزات ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین مشغول بودم و این کتاب که موسوم است به جامع القصص جمع نمودم».

□ احوال مؤلف:

برطبق یاد کرد مؤلف ، معلوم است که وی در قرن یازدهم یعنی (۱۰۷۷ ه. ق) دست به کار تألیف این اثر بوده است. اما در کتب رجال عصر صفوی به بعد هر چه تحقیق شد مؤلف و دانشمندی به نام مؤلف این اثر «ابن ابو الحسن الواعظ» یافت نشد.

□ نام اثر:

مجموعه اوراقی که مقابل ماست ، بخشی از نسخه خطی جامع القصص ، تألیف ابن ابو الحسن واعظ ، به سال (۱۰۷۷ ه. ق.) می باشد که بدیل و نظیری برای مقابله ندارد و یک نسخه می باشد از احوال مؤلف نیز در اعلام رجال شیعه و غیر شیعه در عصر صفوی و ادوار بعد ذکری نیامده است. و این حقیر در حد توان و تمیز اندک خود ، آن را آلائیده و پیراییده ام.

محفوظ گشتن از قصص پیامبران و سیراب شدن از این چشمه زلال و گوارا ، کهنه سالهایی است که در فرهنگ و افکار و اذهان و ادبیات ما وجود دارد. ارادتمندان و جویندگان جرعه های حقیقت ، بسیار وارد این وادی نورانی شده اند و قلم فرسایی کرده اند ، تحقیق و تفحص نموده اند و ندانسته های ما را کلمه به کلمه به دانسته بدل کرده اند و کتابها و مجموعه های فراوانی ، تألیف و تدوین و ترجمه و تصحیح نموده اند و به امید هدایت و سعادت بشر در اختیار علاقمندان نهاده اند اجر و پاداش بیحد و حصر آنان در خزانه پاداش الهی محفوظ باد. ان شاء الله بنده نیز این مجموعه را بارها مطالعه نموده ، نکاتی هر چند نا چیز از آن شسته و یا به آن افزوده ام و قبل از هر چیز امید و آرزوی آن داشته و دارم که خردمندان و اندیشوران کوچک و بزرگ آن را مطالعه کرده از سرگذشت این پیامبران الهی ، حصه عبرتی برگیرند ، چرا که تنها خردمندانند که عبرت می گیرند و در روشنایی نور آنان راه درست چگونه زیستن و چگونه مردن را بیابند و سعادت دنیوی و اخروی را بهره مند شوند و به شقاوتها و خسارتها و گمراهی ها پشت پا بزنند و نگارنده را از دعای خیر فراموش ننمایند.

مؤکداً موظفم عرض کنم که بنده را در این کار ، استاد گرانمایه و ذوالقدر ، دکتر علی محمد پشت دار راهنمایی کرده و چراغ و شمع فروزان ، فرا راه شاگرد خود نگاه داشته اند و هم در آن روزهایی که برای انتخاب موضوع پایان نامه خود ، مضطر و مستأصل شده بودم و گاه به این دلیل که می خواستم پایان نامه ام نشانی ولو نا چیز از قرآن کریم داشته باشد ، مورد استهزاء و استنطاق برخی قرار گرفتم، بنده را دریافتند و این نسخه را به من پیشنهاد نموده و در اختیارم قرار دادند.

از استاد عزیزم خانم دکتر کوپا مدیرگروه که مشاور بنده بودند و ایشان نیز در جهت انتخاب موضوع پایان نامه همکاری خود را از این حقیر دریغ نداشتند نهایت تشکر و قدر شناسی را دارم چرا که من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق از استاد که سعی براین مهم دارند تا از موضعی فراتر و بالا تر بر گفته ها و نوشته های این حقیر ، مشرف باشند و مسلط ، با دیده دلسوزانه ، ناقدانه و رهبرانه ، کمی ها و کاستیها و نقایص حتمی این مجموعه را متذکر می شوند و عیوب پنهان واز نظر افتاده را مجسم و مصور می کنند ، بسیار ممنونم و تذکرات و ارشادات ایشان را بر دیده اطاعت و متت می نهم .

الهی عاقبت محمود گردان

✽ علائم اختصاری

ر: صفحه روی نسخه خطی

پ: صفحه پشت نسخه خطی

[.....] : افتادگی

مقدمه

انسان ، موجودی است که از ابتدای آفرینش ، برای رفتار درست و صحیح و هدایت به سمت و سوی سعادت ، نیاز به هادی و رهبر داشته و دارد . او برای یافتن مسیر صحیح گاهی به آزمایش و خطا می پردازد ، گاهی تجربه می کند و توانهای سنگینی از جمله اتلاف و گذران سرمایه ذی قیمت و گرانبهای عمر را می پردازد . گاهی قطعاً خطا می کند و طعم تلخ شکست را در فراز و نشیبهای عمر کوتاهش می چشد. به بیراهه می رود و یا دیگران را با خود به بیراهه می کشاند، به بن بست چه کنم ، چه کنم گرفتار می شود . رشته بلندی از علامتهای سؤال در مقابل دیدگانش قرار می گیرد و او را مستأصل و مضطر می سازد . گاه احساس پوچی و یأس ، سراسر وجودش را فرا می گیرد . آیا کسی به یاری و مساعدتش نخواهد آمد ، آیا آفریدگار او ، او را این چنین تنها و بی برنامه و بی یاور رها کرده است؟! یقیناً چنین نیست . خداوند متعال انسان را با خمیر مایه عشق و محبت و مغفرت آفرید و چون از آفریده و دست پرورده و نیازهای مادی و معنوی ، روحی و فکری ، جسمی و جانی او خبر داشت ، خود برای مساعدتش ، دستگیری، هدایتش و حمایتش و رسولانی را رسالت داد. رسولی را همراه و هم نفس او کرد و آن را رسول باطنی نامید و آن عقل باشد. رسولانی را به تناسب زمان و مکان برای روشن کردن ظلمت کده نادانی او فرستاد و آنان پیامبران هستند.

خداوند عز و جل در معیت تعدادی از پیامبران برنامه تربیتی و شرح وظایف آنان را در قالب کتاب و مجموعه کلماتی برایشان فرستاد چرا که کلمات ، خود ، پیامبران معانی اند و هر یک از پیامبران ، فراخور و سزاوار زمان و مکان خود ، فرهنگ جامعه خود ، ارزشها ، هنجارها ، نیازها و علوم و تخصص امت خود، دستورات و مجموعه ای از بایدها و نبایدها و شریعتی خاص را به همراه داشتند که البته شریعت همه پیامبران در اصول کاملاً مشترک بود و اهداف واحدی را دنبال می کرد.

در این میان یا بهتر می توان گفت ، در انتهای این سلسله مقدس و میمون پیامبر عظیم الشان اسلام، محمد مصطفی- صلی الله علیه و آله و سلم- با تَلَاؤُ تَابَانِ خود چنان می درخشد که ابتدای این رشته هدایت و سعادت نیز از آن محفوظ می گردد.

پیامبر اکرم (ص) را ، قرآن کریم ، آخرین ، بزرگترین ، جامع ترین و پایدارترین منشور هدایت ، سعادت و سلامت همراهی می کند.

قرآن که نشان دهد ره راست برنامه زندگانی ماست

قرآن هدیه ای آسمانی و الهی برای هدایت و ارشاد انسان است تا او را به سر منزل مقصود، به صراط مستقیم و نه به راه ضالین رهنمون باشد.

قرآن در همه قرون و اعصار و ازمنه و امکانه محفوظ از هر گونه تحریف و دستبردی خواهد ماند و از هر شیوه تربیتی، از راههای مستقیم و کوجه پس کوجه های تنگ و دیریاب و مسیرهای پر شرط و شروط و خلاصه از هر شیوه و روشی برای هدایت انسانها استفاده کرده است.

قرآن گاه عظمت و جبروت خالق یکتا را متذکر می شود تا قلبها را از خشیت الهی لبریز کند. گاه به وسیله تلطیف، گاه تهدید، وقتی وعده، وقتی وعید، باری از راه اندرز و وعظ و پند و نصیحت و بار دیگر از طریق امر و نهی آمرانه و مستقیم و خیلی اوقات هم از راه نقل تاریخچه و سرگذشت گذشتگان و امتهای مختلف، زمینه هدایت را مهیا می کند تا انسانها حظ وافی و کافی ببرند و عبرت بگیرند گر چه طبق فرمایش مبارک حضرت علی (ع) «ما اکثر العبر و أقل الاعتبار».

هنگامی که به دنیای تاریخچه و سرگذشت پیشینیان وارد می شویم، داستان و قصه و تاریخ رسولان الهی، لطف دیگری دارند. فکر و ذهن ما را بر خود میخ کوب و متمرکز می کند. جذبه و کششی به آنها در خلوت وجود و فطرت خود احساس می کنیم زیرا که آنان الگو و اسوه ایدئولوژیکی و عملی ما هستند.

قرآن خود نیز به این شیوه دستور داده و به پیامبر بزرگوار خود فرمود: «فَأَقْصِبِ الْقِصَصِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ [سوره اعراف ۱۷۶].

خداوند عزوجل، اوکه از هر مهربانی به ما مهربانتر است، می داند که آفریده اش، انسان، کودکی پر شیطننت است که جز با قصه های بر خاسته از واقعیات نمی توان او را به آرامش دعوت کرد. انسان را افسانه های خیالی که با هویت او سختی ندارند، هدایت نمی کند حتی اگر اعجاب او را بر انگیزند.

لذا قرآن کریم، کتاب قصه هاست، قصه هایی که هرگز خیال و رویا در آن نقشی ندارند، قهرمانان این قصه ها پیامبران الهی و آسمانی هستند که با اخلاص برای هدایت بشر کوشیدند. قصه هایی که سرشار از نکات عبرت انگیز هستند، اگر خرد پیشه کنیم.

در قرآن، کلمه «قصه» و جمع آن «قصص» مطلقاً نیامده، اما صورت مصدری آن یعنی «قصص» جمعاً هفت بار ذکر شده است.

۱- نام سوره ۲۸، سوره قصص

۲- آیه ۲۵ از همین سوره ۲۸

۳- آیه ۱۷۶ از سوره اعراف

۴- آیه ۳ از سوره یوسف

۵- آیه ۱۱۱ ایضاً از سوره یوسف

۶- آیه ۶۲ از سوره آل عمران

۷- آیه ۶۴ از سوره کهف.

از این هفت مورد کار برد به صورت اسم ، شش مورد به معنای داستان و حکایت و تاریخ و قصه و تنها یک مورد [سوره

کهف] در معنای اصلی لغوی یعنی « پی جویی و دنبال کردن» استعمال شده است.^۱

در فرهنگها و در برخی از تفاسیر در برابر کلمه «قصص» این معانی ذکر شده است .

- سرگذشت^۲

- تعقیب و نقل قصه^۳

- خبری از اخبار گذشتگان که پیایی و پیوسته ذکر شود^۴

خداوند متعال قبل از اینکه برای ما قصه بگوید ، از اخبار و اوضاع و احوال و زحمات و سرگذشت پیامبران پیشین برای

پیامبر اسلام (ص) حکایت می کند تا اونیز با مشکلات و مرارتهای رسالت مأنوس شود ، قوت و نیرو بیابد ، آرامش و

سکون پیدا کند و با استواری به هدایت انسانها بپردازد. چرا که «اِذَا عَمَّتْ بَلِيَّتٌ طَابَتْ» قصه های قرآن واقع اند ،

صادق اند، حق اندودر زمین وجود اندیشوران وفرزانگان ، بذر عبرت می پاشند.^{سَنِبْه}

مطالعه قصه ها و داستانها که همانا سرگذشت پیامبران است ، مانند طبیبی حاذق داروی تلخ را در لفافه ای از شهد

حکایتها پیچیده ، به خورد انسان می دهد زیرا خداوند فطرتاً انسان را طوری آفریده که از امر ونهی مستقیم و صریح

اعراض می کند و قرآن مبارک نیز براین مهم اذعان دارد. همان جا که خداوند خطاب به پیامبر سفارش می کند که «

لا تحبون النّاصحین».

امروزه ، روانشناسان نیز در یافته اند که نصیحت وپند و اندرز مستقیم و بی واسطه نتایج کمی به بار می آورد بلکه بهتر

است مربیان، فکر و فرهنگ ونظر صائب و باید و نباید و نکات تربیتی و پرورشی را ضمن قصص و داستانها و حکایتها ،

به جان و روح مخاطبان ومربیان خود القا وتفهم کنند.

۱. داستان پیامبران از علی موسوی گرمارودی

۲. طبرسی ، ذیل آیه ۶۲ بقره

۳. قاموس قرآن

۴. طبری ذیل آیه ۱۱۱ سوره یوسف

یکی از آثار و نسخی که محتوای آن سرگذشت و قصه پیامبران را در برمی گیرد، همین نسخه خطی مورد نظر می باشد که موضوع و محور ومدار کار بنده است. این مجموعه، بخشی از نسخه خطی «جامع القصص» از ابن ابوالحسن واعظ می باشد که در سال (۱۰۷۷ ه. ق.) آن را تألیف کرده است و داستان زندگی حضرت یوشع تا آغاز زندگی محمد (ص) را در بر می گیرد.

با توجه به قرائن وشواهد می توان گفت که این مؤلف اثر دیگری نداشته و یا اگر داشته به دست ما نرسیده است. ضمناً همین اثر هم یک نسخه دارد و نسخه بدلی از آن موجود نیست و با نسخه دیگر عرض ومقابله نشده است. لذا همین اثر و تألیف را مغتنم داشته ایم و به نقد و تصحیح و تنقیح آن پرداخته ایم. گر چه نقد و تصحیح متون و باز یافت سره از ناسره، آن چنان که شایسته قلم فرسایی و نگاشته های نسخ خطی است معمول و مرسوم نیست ولی امیدوارم نقد و تصحیح این متن و این نسخه خطی به جهت محتوی وموضوع خاص آن مورد عنایت و توجه صاحب نظران قرار گیرد و آنان نیز نقدی برنقد معیوب و ناقص بنده داشته باشند.

قبا گر حریر است وگر پرنیان به ناچار حشوش بود در میان

در این مجموعه بسیاری از مطالب مقرون به صحت و درستی است ولی نکات نازک و باریکی نیز وجود دارد که می تواند تأمل و تثبیت خواننده ومخاطب مطلع را بر انگیزد.

البته جای خوشبختی وجمعیت خاطر است که چون در این زمینه و حول مدار قصص پیامبران، اصحاب قلم، کتابهای فراوانی نوشته اند و تحقیقات فراوانی انجام شده است، با تدقیق در مباحث ومحتوای این نسخه ومقابله ومقایسه آن با آثار دیگر می توان آن را غربال کردو سره را از ناسره جدا کرد.

* از مواردی که یقیناً صحت نداشته و ساخته افکار و اوهام مغرضانه در طول تاریخ می باشد و از اسرائیلیات محسوب می شود، سرگذشت زندگی حضرت داود (ع) است که ابن ابوالحسن واعظ در این نسخه به آن اشاره می کند ودر این باب قلم فرسایی نموده است. او حکایت می کند که: حضرت داود (ع) با زن «اوریا» ازدواج می کند که تفصیل آن در متن نسخه موجود است. این اتهام از مجعولات یهود است و حتی امیر المؤمنین علی (ع) برای جلوگیری از افتراء بی عفتی به داود فرمود: « لا اوتی برجلٍ بزعم ان داود تزوج امراء اوریا انا جلدته حدین، حد النبوة وحد السلام»^۱ یعنی هیچ مرد را پیش من نخواهند آورد که چنین پندارد که داود زن اوریا را به همسری گرفت، مگر آن که دوحد براو جاری خواهیم کرد یکی حد نبوت و دیگری حد اسلام.

۱. تفسیر مجمع البیان. سوره (ص)

□ ویژگیهای نثر جامع القصص

این نسخه از جهت نثر نمونه ای از نثر ساده ومرسل می باشد وجزء متون روایی است که مؤلف ، آن را از قول ناقلان اخبار و راویان نقل میکند و با مراجعه به کتب معتبر آن را مستند ساخته است . نویسنده در این اثر ، کمتر تکلف و تصنع را لحاظ نموده و اثرش از حیث انشا مثالی از بلاغت زبان و زمان ماست.در اینجا لازم می بینم به برخی از ویژگیهای این نثر اشاره کنم.

۱- نمی توان مدعی شد که ابن ابوالحسن واعظ صاحب سبک بوده است ، اومعنا ومحتوی را قربانی لفظ و آرایه های آن نمی کند.

۲- در کاربرد فعل ماضی استمراری به جای «می» در ابتدای فعل «ی» در آخر فعل استعمال می کند ← « هر که تمرد کردی او را به قتل رسانیدی» .

۳- برای پرسشی کردن جملات از بیش از یک کلمه پرسشی استفاده می کند . ← « آیا کجا بودی که دین پدران مرا بگذاشتی و دین محمدی اختیار کردی؟ » (ص ۱۴۴ نسخه خطی)

۴- حرف اضافه «بر» را به جای حرف اضافه «از» به کار می برد . ← ایشان بر قول خویش برگشتند(ص ۱۱۲ نسخه خطی)

۵- فعل لازم وناگذر را در معنای فعل متعدی وگذرا ، فراوان به کار برده است . ← « استخوان او را بسوختند و در میان آتش انداختند » (ص ۱۷۹ نسخه خطی)

۶- حذف فعل معین به قرینه یا بدون قرینه . ← « خدای - تعالی - هر پیغمبری را که به قومی فرستاده او را معجزه کرامت کرده » .

۷- استمساک به اشعار فارسی برای القای بهتر مفاهیم به مخاطب که شاعر این اشعار غالباً نا شناخته اند ونثر خود را با آوردن کلمه «بیت» از شعر جدا می کند ← روزی به کوشش وکسب متعلق است . بیت :

اگر بی سعی یزدان رزق دادی به مریم کی ندا دادی که هزی

۸- عدم تطابق فعل با نهاد

* به کار بردن فعل مفرد برای نهاد جمع ← وخلائق بی شمار با ایشان همراه شد

* به کار بردن فعل جمع برای نهاد مفرد ← چون رسول اهل مدینه پیغام آوردند (ص ۱۸۱ نسخه خطی)

۹- تقدیم فعل بر سایر ارکان جمله مثل مفعول ومتمم. ← پس گاوی بساخت از مس وپر کردند از سیماب.

(ص ۱۷۹ نسخه خطی)

۱۰- به کار بردن «اندر» به جای «در» ← موجی بر آمد به شهر اندر گرفت

۱۱- فک اضافه فراوان به کار می برد. ← چون یوشع را وفات نزدیک آمد (ص ۱۱۰ نسخه خطی)

۱۲- حذف به قرینه لفظی فراوان دارد ← الحمدلله که به مصیبتی گرفتارم نه به معصیتی (ص ۱۸۴ نسخه خطی)

۱۳- ساختن صفت با استفاده از اتصال حرف اضافه به اسم (پیشوند صفت ساز) ← دقیانوس چو دید که ایشان

دوستان به اخلاصند

۱۴- کلمات را با علامت جمع مؤنث «ات» جمع بسته است ← مقصودات ، مردات ، علامات

۱۵- در برخی موارد ساخته‌های جعلی و اختراعی دارد- برای ساخت صفت مفعولی (بن ماضی + ه) از بن مضارع استفاده

می کند. ← اجساد و گوشت و پوست ایشان پوسیده و ریزیده و فنا شده باشند.

□ صنایع لفظی و معنوی

ابن ابو الحسن واعظ، در این نسخه نثری ساده و روان دارد. کمتر در بند آراستن و پیراستن کلام است معنا را فدای لفظ نمی کند و این ویژگی را اگر برای او حسن به شمار آوریم، نثری غنی است ولی چنانچه سلیقه خواننده و مخاطب را تأمین نکند، به لحاظ صنایع لفظی نثری تنک مایه است.

کمتر می توان در آن استعاره، کنایه، ارسال المثل، تشبیه و تضاد مشاهده کرد البته مواردی را که بنده در یافته ام اجمالاً اشاره می کنم.

★ تضمین آیات و احادیث

تضمین آیات و احادیث هرگز تنیده در جملات و عبارات مؤلف نیست تا این شک و شبهه، خواننده و مخاطب را پیش آید که آن آیه یا حدیث جزئی از سخن و یا دنباله کلام است. زیرا قبل از هر آیه با عبارت «قوله تعالی» هر شک و شبهه ای را می زداید. مع الوصف، آیات تضمین شده غالباً نشانی ندارد و مشکول نیز نیستند و گاهی نیز در نوشتن آیات تدقیق و نازک بینی لازم و مکفی روا نداشته و با مراجعه به قرآن کریم لغزشهایی قابل مشاهده است. علی رغم این موارد، اکثر قریب به اتفاق آیات و احادیث، دارای ترجمه می باشد. البته این ویژگی سبکی مؤلف، بهانه و دستاویزی برای قرآن پژوهی کسانی چون بنده حقیر که توفیق کمتری برای این مهم داشته، بوده است.

★ به کار بردن سجع

در مقیاسی که نثر را از سبک مرسل دور نسازد، در اثر به چشم می خورد و صنایع لفظی و مناسبات را بر بیان معنی رجحان نمی دهد ← صنع او برصحائف مبدعات ظاهر است و از صنایع مکونات باهر (ص ۱۸۳ نسخه خطی)

★ التفات

مؤلف گاهی از حال و هوای قصه گوئی و داستان سرایی خارج می شود، از غایب روی به مخاطب می کند. افعالش را به صیغه مخاطب به کار می برد و او را پند و اندرز و موعظه می کند و نتایج و نکات باریک و نازک سرگذشت پیامبران را مستقیم و غیر مستقیم تذکر می دهد و انتباه می بخشد. ← پس دانی حال آن جماعتی را که به نادانی دست به مال یتیمان و مال وقف دراز می نمایند.....(ص ۱۲۶ نسخه خطی)

□ ویژگیهای رسم الخطی و املائی

به طور کلی نثر این نسخه از نثر حاکم بر عصر صفوی جدا نیست، جز آن که مؤلف در برخی موارد افعال را با لهجه ای که توان گفت اصفهانی است به پیروی از گفتار نوشته و در مواردی اغلاط املائی یا سهو القلم در درست نویسی رخ داده است.

این نسخه برخی خصایص رسم الخطی و املائی دارد که با شیوه کنونی اندکی متمایز است لذا به مواردی از آن اشاره می کنیم.

۱- کتابتی خفی دارد یعنی ریز و کوچک نوشته شده و خط آن فربه و درشت نیست.

و عرب

۲- آیات و احادیث آن مشکول نیست.

۳- عدم رعایت علایم نگارشی و سجاوندی.

۴- فهرست مطالب ندارد اما هر قسمت عنوان دارد.

۵- حذف «الف» ضمیر «او» و ضمائر اشاره «این و آن» هنگام اتصال به کلمات قبل و بعد. ← برو لعنت

کردند. (ص ۱۲۶ نسخه خطی)

ما هر دو عضو گواهییم که ، اینکس اورا بکشت ودر خاک پنهان نمود. (ص ۱۲۶ نسخه خطی)

۶- استفاده از «ب» و «ک» به جای «پ» و «گ» ← بدید= پدید. (ص ۱۱۲ نسخه خطی)

همه را سیاست نمود و کفت شما حکمای پای تخت منید

۷- نوشتن «ه» به جای «ای» در واژه هایی که به «ای» ختم می شوند ← نامه = نامه ای

۸- رسم الخط و املائی کلمات همانگونه اند که تلفظ می شوند.

نامهها= نامه ها ◊ دیدهها اشکبار گردید = دیده ها

۹- اتصال حروف اضافه به کلمات بعد از خود.

بترتیب= به ترتیب ◊ بدیدار= به دیدار

۱۰- گذاشتن دو نقطه زیر « ی » به این صورت « یِ » در کلماتی که به « ی » ختم می شوند.

ای افلاطون آیا لقمان در کدام عهد پادشاه بوده ؟ (ص ۱۴۷ نسخه خطی)

۱۱- همزه « است » در برخی موارد حذف شده است

ممکنست که او - سبحانه - که خواهد بی نطق بنطق در آورد. (ص ۱۲۵ نسخه خطی)

۱۲- بر روی عبارت عربی ، یک خط سیاه ، کم رنگ تر از رنگ نوشته های متن به چشم می خورد.

۱۳- از همزه به جای « ی » استفاده می کند ← تو پیغمبر خدائی می خواهی که حکم نمائی (ص ۱۲۵ نسخه خطی)

۱۴- در مورد افعال:

- نمندید به جای نمانید (لهجه اصفهانی)

- میگواید به جای میگوید.

- گوایم به جای گوئیم.

- نمود بجای کردن: متهم نمود ، قول نمود (= قول داد)

- افعال پیشوندی: در مشوید ، در پوشید، بر بست، بفروختند.

- می بینم به جای ببینم.

- نوشتن به جای نوشته

- داشت به جای نگاه داشت .

- پاداشت به جای پاداش



۱۵- مفردات (اسم ، قید، صفت، وندها)

- به : حرف اضافه ← متصل : بطعام.

← منفصل: به سبب.

- ها: نشانه جمع ← متصل: قبالتها (قباله ها)

← منفصل: آسمان ها

- آن : ضمیر اشاره ← متصل: آنزمان ، آنکس.

← منفصل: آن ساعت.

- همزه: نیکوئی ، دانائی.

- بی: متصل ← بیچون.